

چرا همدگر ان باهمه این رسوایی ها خجالت نمی کشند؟؟؟

(قسمت دوم - صباح)



بي باكانه ، صداقتمندانه و ازروي خلوص
بدون تردید ، درد مردم و وطنم را می نویسم
دربرابر دشنه های جنگ سالاران و طنفروش
مي ایستم و می دانم که با قلمم گورم را می کنم
اما من ادامه می دهم و خوب مي دانم !
زیرا اکثر اندیشمندان آزاده
و همه و آزادی خواهان با احساس
با تیشه قلم، گور خود را حفر کردند.

سیاف در جنگها داخلی افغانستان در سالهای 1374-1371 مهم ترین نقش را داشته است طوری که وی و شرکایی
جنایتکارش - غرب کابل را به یک ویرانه تبدیل نموده و هزاران غیر نظامی به دستور آنان قتلعام شده است وی به دلیل
شعله ورت کردن جنگهای داخلی در افغانستان در سالهای 1374-1371 از سوی دیده بان حقوق بشر به جنایت جنگی
و نقض حقوق بشر متهم گردید، که متأسفانه هنوز محکمه در این خصوص تشکیل نیل نشده است.
رسول سیاف، یکی از قصابان فاجعه خونینی افشار، در حمله و تجاوز به افشار به عساکرش گفته بود: «سر بریده سخن
ندارد، هزاره ی خوب هزاره ی مرده است.»

سیاف در زمان امین به زندان افتید و پس از رهایی از زندان پلچرخي در سال 1358 هجري خورشیدی، به پاکستان رفت
و به تنظیم های جهادي پیوست . سیاف مدتی را در تنظیم جمعیت فعالیت کرد ، سپس راه خود را از این حزب جدا کرد و
حزبی را به نام اتحاد اسلامي اساس گذاشت که خود رهبري آن را به عهده داشت .
سیاف از آن جایی که تعلیم دینی اش را در کشورهای اسلامي به پایان رسانده بود از حمایت خاص این کشورها و به ویژه
عربستان سعودی برخوردار بود . وی در سال 1371، همراه با دیگر تنظیم های جهادي وارد کشور شد و به مهم ترین
حامی دولت به رهبري برهان الدین رباني تبدیل شد. در سال های 1371 تا 1374 در درگیری های میان گروهی کابل
نقش اساسی داشت و نبردهای حزب تحت فرمان او با حزب وحدت در غرب کابل شهرت فراوان دارد . این دو حزب در
آن سال ها جنگ های خونینی با هم داشتند که منجر به کشته و مجروح شدن صدها تن از افراد غیر نظامی شد و غرب کابل

هم به ویرانه تبدیل شد. سیاف بارها به دلیل حضورش در جنگ های داخلی افغانستان از جانب سازمان دیده بان حقوق بشر به جنایات جنگی متهم شده است. همانطوریکه میدانییم نیروهای سیاف و جنایتکاران دیگر در افشار سیلو جنایت و وحشت نابخشودنی مرتکب شده اند. رسول سیاف، یکی از قصابان این فاجعه هولناک، در حمله و تجاوز به افشار به عساکرش گفته بود: سربریده سخن ندارد، هزاره ی خوب هزاره ی مرده است.

بزرگترین جنایاتی که در دوره جنگ های داخلی در افغانستان آنهم در شهر پرنفوس کابل به شکل عمدی، آگاهانه و سیستماتیک توسط جنایات کاران صورت گرفته یکی هم، قتل عام مردم افشار بود که در آن یک شهر انسان فقط به جرم هزاره بودن نابود گشتند. این جنایت توسط جنایتکاران جنگ های داخلی از جمله عبدالرب رسول سیاف، احمد شاه مسعود، ملا مارشال فهیم، شیخ محسنی، سید حسین انوری، یونس قانونی، دبل عبدالله و ... صورت گرفت. بزرگ ترین جنایت را این افراد در تاریخ افغانستان و جهان به نام شان ثبت کردند که شامل تجاوز به زنان در برابر مردان خانواده، کشتن مردان خانواده در برابر زنان، به برده گی گرفتن دختران و زنان، کشتار مردم در اماکن همگانی از جمله در تکیه خانه افشار، بی حرمتی به اجساد مردگان، قتل و تجاوز به جرم هزاره بودن، بود.

جنایت به چگونگی و کیفیت عمل جنایت کار مرتبط است نه به کمیت جنایت. مهم این است که جنایت برای چه صورت گرفته است و جنایت کار چه هدفی از جنایت اش داشته است. هم در آموزش دینی اسلام و هم در حقوق بشر، نفس یک آدم، نمونه ای از تمام بشریت و عالم در نظر گرفته شده است. هنگامی که یک شخص را می کشند در حقیقت همه بشریت را کشته اند. جنایت افشار، یکی از جنایات ضد بشری در تاریخ بشریت است. زیرا این جنایت از طرف احمد شاه مسعود، برهان الدین ربانی، عبدالرب رسول سیاف، شیخ آصف محسنی و دیگران به هدف محو نابودی که گروه اتنیکی صورت گرفته است. در این تراژیدی یک شهر انسان به جرم هزاره بودن قتل عام شده اند و نیت جنایت کاران، از این جنایت، نسل کشی بوده است.

مهاجمان سنگ دل پس از تسلط بر افشار برای قتل و غارت و جنایت وارد کوچه های افشار شده و پس از هجوم به خانه ها و منازل مردم دست به کشتن افراد جوان زدند و آنها را در منازل شان به شهادت رساندند و حتی زنان را به اسارت گرفته و مردان را در کوچه ها و خیابانها شهید کردند. اینان تا چند روز متوالی به کشتار، قتل و غارت و تخریب منازل ادامه دادند. و وحشیانه داخل منازل شده و از هیچ جنایتی دریغ نکردند. جنایاتی که در افشار ارتکاب یافت مصداق بارز جنایت به مفهوم حقوقی بر اساس قوانین ملی و بین المللی است. اقتضای عدالت و نظم جامعه ایجاب می کند که مرتکبین جنایت مجازات شوند. اما در افغانستان گرچه بزرگترین جنایات تاریخ بشریت انجام گرفته است، به همان مقیاس جنایتکاران نه تنها مجازات نشده بلکه به مناصب بالایی دولتی و حکومتی گماشته شده و همچنان جنایت می کنند. این امر اما به معنای مخدوش شدن اصل مجازات جنایتکاران نیست. محاکم داخلی امروز نه توان و نه اراده لازم برای محاکمه این جنایتکاران را دارد زیرا خود از جنایتکاران تشکیل شده است.

مشکل دیگری فعلی غصب زمین های دولتی و مردمی از سوی زورمندان محلی در کابل و سایر ولایات کشور، از بارزترین مظاهر فساد در کشور است و به نظرمی رسد دولت نیز توانایی چندانی برای مبارزه با این معضل عظیم اجتماعی و اقتصادی ندارد. مردم بر این باور اند که غاصبان با وزارتخانه های دولتی و نمایندگان مجلس، پیوند دارند و این امر، مانع از اعمال قانون و سلطه دولت بر آنها می شود. تاکنون میلیون ها جریب زمین در سراسر کشور، به

صورت غیرقانونی در اختیار زورمندان است و اکثر این چپاولگران و زورگیران از نزدیکان مقام های حکومتی و قوماندانان جهادی جمعیتی، شورای نظار و اتحاد سیاف اند که بازو سلاح و کشتن و بردن و بستن سخن میگویند.

سیاف در دوران حاکمیت مصلحت گراوی کفایت کرزی در پهلوی دیگر استفاده جوی هادرچور و چپاول زمین های شخصی و دولتی نیز کوتاهی نکرده است. رسول سیاف و تفنگداران ظالمش بیشترین زمین ها را در کابل و اطراف آن غصب نموده اند. سیاف و جنگسالارانش چون ممتاز، حاجی شیر علم، آمر عبدالستار، اکبی، قوماندان داکتر عبدالله... هر کدام هزاران جریب زمین غصب شده در اختیار دارند. از چندین سال بدینسو اعتراضات مردم «شش گذر» و لسوالی پغمان علیه سیاف بلند است که میگویند باند سیاف حدود ده هزار جریب زمین را که ملکیت آنان می باشد به زورتصاحب نموده است.

تظاهرات مردم پغمان علیه سیاف تا حال چندین بار به خونریزی و کشته شدن مردم بیچاره منجر گردیده است. بخشی از این زمین های دعوای در ساحه چانغر در کنار شاهراه کابل - کندهار موقعیت دارند. سیاف و حواریونش هزاران جریب زمین دشت چمتله را به زور تصاحب شده به قیمت هنگفت بالای مردم به فروش رسانیدند.

قضیه دیگر زمین دزدی در ولسوالی کلکان کابل هم اکنون جنجالهای شدیدی را دامن زده است سیاف و همراهانش دست دارد. داوود کلکانی عضو پارلمان که از سفره نشینان سیاف است در همدستی با قوماندان ممتاز (برادرزاده سیاف) حدود یکهزار جریب زمین ساحه آقاسرای و شیخوی این ولسوالی را تصاحب نموده اند و به زور تفنگ این زمین را در چنگ شان نگهداشته اند. حتی این دزدان بین خود در اثر اختلافاتی درگیر شده اند. جالب اینست که این زورگیران تفنگدار مالکیت مردم را با استفاده از مقام دولتی قباله های تقلبی ساخته اند.

چندی قبل تلویزیون خصوصی لمر، مصاحبه ای داشت با یکی از سران جهاد - عبدالرب رسول سیاف نماینده در پارلمان. او در ابتدا حاکم به نظر می رسید، اما وقتی صحبت به جنایتکاران و محاکمه شان رسید، دست و پاچه و وارخطا و به خواندن آیات متوسل شد. از آنجایی که این ریاکاران دین همه چیز را از زیر عینک فریبکاری دینی می بینند، به این لحاظ اظهار نمود که فهم قانون اساسی به فهم دین ضرورت دارد. امر خدا است که اگر مسلمانان با هم درگیر شدند، شما بین آنها صلح کنید، خداوند از ما می خواهد. این جنایتکاران قرن چرا در آن سال هایی که بر قدرت لمیده و طیاره بست دشمنی دیروزی شان (روسها) پول میفرستاد و اینان خون می ریختند، بین خود صلح نکردند؟ آیا در آن وقت خداوند از ایشان تقاضای صلح ننمود؟ وقتی مردم در آتش جنگ های خاینانه می سوختند، امر خداوند کجا بود؟ جنگ را دیگران دامن زدند و هنوز هم خواهان جور آمد بین ما نیستند اما بلافاصله متوجه می شود و می گوید: ما آنقدر گنس و گول نبودیم که دیگران از ما استفاده کنند! کسانی که این فیصله را رد می کنند، سر این ملت دل شان یخ نکرده است، باز می خواهند این ملت به خاک و خون بغلند. مردم که یک بار بدست گرگ صفتان تشنه به خاک و خون غلتید، این کدام افراد اند (جز ویرانگران سه دهه اخیر) که دل شان به این ملت یخ نکرده است؟

مزدوری و مزدورمنشی تنظیم های بنیادگراها برهیچکس پوشیده نیست. از غلامی به آی اس آی تا نوکری عربستان سعودی، سی آی ای، ایران، فرانسه و تاجکستان و کشورهای دیگر.

سیاف گفت: من پیش ملت یک مجاهد هستم و گروهی را رهبری کردم. تو در نزد ملت یک جنایتکار و قاتل هزاران انسان بی گناه هستی، تو یک جاسوس حلقه به گوش آی اس آی، عربستان سعودی و ... هستی. سیاف! تو همان گروهی را رهبری کردی که این ملت را به روز سیاه نشانند، همان گروهی که دختران افغان را پیش پای عرب ها انداخت، همان گروهی که

خون مردم مظلوم هزاره را مباح می دانست و هر هزاره را به نام حزب وحدت، سر می برید، توهمانی که اکنون هم زمین های مردم پغمان را قبضه نموده اید. وی گفت، وقتی از زندان برآمدم، یک عصا چوب در دستم نبود. به این می گویند اعتراف جانانه. اما این ملیون ها دالر، آرگاه و بارگاه، نوکروچاکر وموتر و زمین را از کجا کرداید؟

وقتی از سیاف پرسیده شد که چرا در آن وقت مانع از جنگ نشدید، در جواب گفت: تنها خدا است که هر چیزی را خواهد کرده می تواند. به تعبیر سیاف، پس این خدا بود که جنگ ها را در کابل شعله ور نمود، خانه های مردم را ویران کرد، زنان را بی سرپرست و کودکان را آواره نمود، برفرق مردم میخ می کوبید، آنان را زنده زنده در کانتینرها کباب نمود، بر عفت زنان تجاوز نمود، در دهه هفتاد (تنظیم های اتحاد، محاذ، جمعیت، شورای نظار، حزب اسلامی، حزب اسلامی خالص، حرکت های مولوی محمد نبی محمدی و شیخ آصف محسنی و... جفای بزرگی را بر ملت رواداشتند.)

رسول سیاف، در ادامه ی جنایت های خود، بعد از سقوط طالبان، در حمایت های کرزی قرار داشته، با کمک و مشوره ی افراد تجارتي خود، دست به غصب گسترده ی زمین زده است. باغصب زمین ها، گروه اقتصادی سیاف، ساختن مارکیت و بازار، تعمیر های مجلل با قصر و باغ و... ساخته اند. غصب این زمین ها از دو استقامت در شهر کابل و اطراف آن صورت گرفته است. استقامت اول از کوتل خیرخانه آغاز و به چمتله، پغمان الی ارغندی می رسد. استقامت دوم نیز وزیر اکبرخان، باغ بالا، خوشحال مینه، بازار کمپنی، قلعه حیدر خان الی ارغندی می باشد. در مرکز شهر کابل نیز، سیاف و گروه اقتصادی وی تعمیرات و زمین هایی را غصب و یا با پول بدست آورده از این تجارت خریداری کرده است. سیاف از حمایت های بی دریغ ریس دولت برخوردار است.

شکایت های زیادی از غصب اموال و دارایی های مردم وجود دارد، اما تاکنون هیچ اقدامی برای مهار نامبرده صورت نگرفته است. تنها در ماه مارچ دو هزار و هفت میلادی نیروهای آمریکایی به خانه ی سیاف در پغمان یورش بردند که علت آن بیشتر مسایل امنیتی و ارتباطات احتمالی وی با تروریسم بوده است. پس از این حادثه، کرزی بارها از سیاف بدلیل حمله ی نیروهای آمریکایی پوزش خواسته و قول داده که چنین مواردی دیگر تکرار نشود. پس از آن سیاف مجال بیشتری برای فعالیت های تجارتي غیر مشروع یافته است. مردم در پغمان بارها نسبت به غصب زمین هایشان و همچنین زندانی شدن و ابستگانشان در زندان شخصی سیاف به دفتر رییس جمهور شکایت و مقابل پارلمان مظاهره کردند اما با هر عریضه و مظاهره، تهدیدها از جانب سیاف و افرادش علیه آنان بیشتر شد. سارنوالی و محاکم کشور هیچگاه دوسیه ی های غصب توسط سیاف را روی دست نگرفته و همیشه از وی به عنوان استاد سیاف، با نیکی یاد می کند.

سیاف پس از حکومت موقت و انتقالی عمدتا از حامیان دیروز خود در تنظیم های جهادی جدا شد و از کرزی، حمایت کرده است. در دومین دوره انتخابات ریاست جمهوری نیز سیاف از کرزی حمایت کرده است. با وجود درخواست های مکرر، او حاضر نشد که به جبهه ملی بپیوندد. در همین حال چند روز قبل طی جلسه ای در منزل فهیم سیاف نامزدی خود را اعلام کرده و فهیم معاون اول و محقق معاون دوم وی معرفی گردید که بعدا توسط محقق تکذیب شد.

کسی که هزاران تن از مردم مظلوم ما را به شهادت رسانیده، شهرها، قرا و قصبات ما را ویران نموده، مال و دارایی مردم ما را به غارت برده است، وحشت را بر فضایی کشور حاکم نموده، برفرق مردم میخ کوبیدند، امروز با چنین پری روی خود را کاندید ریاست جمهوری مینماید. سیاف و همراهان جهادی اش باید سال ها قبل به اتهام خیانت و جنایت محاکمه میگردید و متاسفانه امروز ادعای رهبری حاکمیت ملی را دارد؟ دزدان، جنایتکاران جنگی، قطاع الطریقان،

آدمکشان، قاچاقبران مواد مخدر، غارت گران و همه گردم هم جمع شده اند تا از آخرین فرصت در دوهزار و چهارده برای ابقای سلطه جهل و وحشت بالای مردم مظلوم استفاده نمایند .

درفرحام همه تفنگداران جنگ سالار بقا و نفع خویش را در ایجاد انارشیزم و برهم خوردگی وضع اجتماعی دیده، از همین جهت پیوسته در صدد بی ثبات نگهداشتن اوضاع تلاش های مذبوهانه مینماید و سود خویش را فقط و فقط در جنگ و تفنگ می بینند آنها به منظور اغوا و سرکوب مردم، در تمام عرصه ها دست به اقدامات خائنانه و ماجراجویانه میزنند. نیروهای تتلاف و دولت پروسه بنام جمع آوری سلاح را روی دست گرفتند که میلیون ها دالر را به باد فنا دادند، ولی در ظاهر ارقام های ارایه می گردد که امید واری های کاذبی را به مردم نوید میدهد . اما کشتن، بستن، بردن، اختطاف، زورگویی، قاچاق وحشت، بربریت، جنگ های ذات البینی و مردم آزاری با گذشت هر روز وسعت بی سابقه پیدا می نماید . چنین است که سیاف و سران ماجراجو و قدرت طلب شورای نظار قبلی باچنگ و دندان به جان وطن آفتیده اند و تاملاند لاشخواران از استخوان باقی مانده آن تغذیه نمایند .